



مواجهه مبتنی بر منابع سنی مستشرقان تا پیش از صفویه / شتاب گفتمان شیعی پس از انقلاب

تا قبل از صفویه مواجهه غالب غربی‌ها با دنیای اسلام با قرائت اهل سنت یا قرائت فاطمیان از اسلام است، نه گفتمان خالص شیعی؛ اما از زمان صفویه به بعد شناخت غربی‌ها با شیعه بیشتر می‌شود و با انقلاب اسلامی پرشتاب‌تر می‌شود و باعث می‌شود غربی‌ها نسبت به تشیع تمرکز بیشتری داشته باشند.

تا قبل از صفویه مواجهه غالب غربی‌ها با دنیای اسلام با قرائت اهل سنت یا قرائت فاطمیان از اسلام است، نه گفتمان خالص شیعی؛ اما از زمان صفویه به بعد شناخت غربی‌ها با شیعه بیشتر می‌شود و با انقلاب اسلامی پرشتاب‌تر می‌شود و باعث می‌شود غربی‌ها نسبت به تشیع تمرکز بیشتری داشته باشند.

حجت‌الاسلام و المسلمین روح‌الله بهشتی‌پور، رئیس بنیاد مهدی موعود(عج) در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان مطالبی در خصوص حوزه مطالعات مستشرقین پرداخت و در این باره اظهار کرد: حوزه‌هایی که شرق‌شناسان روی آن کار کرده‌اند، موضوعاتی نظیر مهدویت و عاشورا پژوهی است که جای تامل و بحث دارد.

وی افزود: همان‌طور که می‌دانیم مطالعات اسلامی مستشرقین براساس منابع شیعی صورت نگرفته و شاید از قوی‌ترین کتاب‌هایی که مستشرقان در این حوزه به منابع شیعی توجه داشته‌اند، بتوانیم از ژوزف فان اس و ویلفرد مادلونگ یاد کنیم که در بریتانیا به عنوان پدر مطالعات شیعی مدرن شناخته می‌شود. ولی با این وجود وقتی که آثار این بزرگواران را مطالعه کنیم، به طور مثال همان کتاب «جانشینی محمد(ص)» را می‌بینیم که عموم ارجاع‌ها و منابعی که می‌دهد، براساس کتاب‌ها و منابع اهل سنت است.

بهشتی‌پور گفت: در واقع تلقی که از پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) از این کتاب ارائه شده، تلقی و رویکرد اهل تسنن دارد و براساس منابع اهل سنت گردآوری و تحلیل شده است. آثار فان اس را اگر مقداری جلوتر از «جانشینی حضرت محمد(ص)» مادلونگ بدانیم، توجه بهتر و بیشتری نسبت به منابع شیعه دارد؛ این هم به‌خاطر این است که مستشرقان به منابع شیعی توجه نداشتند و شاید مهم‌ترین دلیلش این است که مواجهه‌ای که مستشرقان با دنیای اسلام داشتند با جریانات و فرقه‌های از اسلام بود که آن‌ها غلبه داشتند.

وی افزود: برای مثال تا قبل از صفویه گفتمان غالب گفتمان اهل سنت است. مواجهه‌ای که غربی‌ها با دنیای اسلام دارند نهایتاً با همین اهل سنت یا در غیر این صورت با قرائت فاطمیان از اسلام است، نه گفتمان خالص شیعی. از زمان صفویه به بعد یک مقدار شناخت غربی‌ها با شیعه بیشتر می‌شود و با انقلاب اسلامی پرشتاب‌تر می‌شود و باعث می‌شود غربی‌ها نسبت به تشیع تمرکز بیشتری داشته باشند، ولی اصلش را اگر بخواهیم بگوییم که از چه زمانی به صورت دقیق‌تر و جدی‌تر نسبت به مطالعات شیعی و شیعه‌شناسی پرداخته‌اند، می‌توانیم بگوییم که این زمان بعد از تاسیس سلسله صفویه بوده است.

بهشتی‌پور گفت: نکته دیگر این که مستشرقان فرق اسلامی را عموماً از طریق آثار قضاعی، شهرستانی، عضدالدین ایجی و ابن حزم و امثال این‌ها گردآوری کرده‌اند و لذا اینها نیازی به مراجعه و پیدا کردن آثار شیعی اصلی در خودشان احساس نکردند. چون این آثار که در واقع شیعه را معرفی می‌کند با یک نگاه جانبدارانه نگاشته شده است و مستشرقین عموماً در مراحل اولیه شاید بتوانیم بگوییم این جانب‌داری را احساس نکرده‌اند.

این پژوهشگر قرآن و حدیث افزود: در عین حال در این چند دهه اخیر مخصوصاً این بیست سال اخیر یک مقدار توجه مستشرقین به منابع و کتب اصلی شیعی بیشتر شده و در واقع اگر بخواهیم خلاصه بگوییم، آن چیزی که مستشرقان تا الان از اسلام ارائه داده‌اند، نسخه سنی اسلام است و در واقع با نسخه شیعی اسلام مواجهه مستقیمی نداشته‌اند. ولی می‌توانیم این نوید را بدهیم که حالا غربی‌ها و مستشرقان غربی در خلال این چندسال اخیر آشنایی خوبی با منابع و کتب شیعی پیدا کرده‌اند.

وی در ادامه گفت: نکته دیگر این است که به نظر می‌رسد که مستشرقان را باید به دو دسته اصلی تقسیم کرد؛ یکی مستشرقان رسمی و دانشگاهی که آثارشان در دست ما است و قابل مطالعه و ارزیابی است و یک سری مستشرقان دیگر هستند که من اسم آن را مستشرقان اصلی حوزه غرب‌شناسی می‌گذارم که آثاری از آن‌ها در دست نداریم و حتی اسم آن‌ها را هم نمی‌دانیم.

بهشتی‌پور گفت: به نظر می‌رسد که این دسته از مستشرقان شناخت دقیق‌تر و ریشه‌ای‌تری را نسبت به منابع اسلامی و حتی شیعی داشتند که اگر بخواهیم برای این مدعا شاهد بیاوریم، طراحی فرقه‌هایی مثل وهابیت و بهائیت و جریان اخیر حسن علی امانی قابل ذکر است؛ زمانی که شما این فرقه‌ها را مطالعه دقیق می‌کنید، گویا چنین است که حتماً موسسین و طراحان این فرق بایستی با منابع

اسلامی در وهابیت اهل سنت و بهائیت و شیعه جریان حسنعلی امانی در روایات بحث آخر الزمان و مهدویت شیعی را بدانند تا بتوانند چنین فرقه‌ای را طراحی و تاسیس بکنند.

وی در پایان گفت: اطلاعاتی که مستشرقان رسمی و دانشگاهی دارند، هنوز که هنوز است به این اندازه نیست که ما براساس این شناخت بگوییم که این وهابیت و بهائیت و جریان‌هایی نظیر حسن علی امانی ایجاد بشود و به نظر می‌رسد مستشرقان اصلی‌تری پرده به پرده حضور و وجود داشته‌اند که براساس مطالعات دقیق این‌ها جریانات وهابیت، بهائیت و امثال اینها کلید خورده و ایجاد شده. این هم نکته بسیار مهمی است که فکر می‌کنم در بحث مستشرقان باید مدنظر قرار بگیرد.